

بررسی آیه میثاق

آیه الله جوادی آملی **فسمت سوم**

در دو بخش گذشته راجع به تفسیر آیه میثاق و اختلاف نظرهایی که در باره آن وجود دارد مطالبی بیان شد. در این قسمت نیز به بخشی دیگر از مطالب مربوط به آن می پردازیم.

انگیزه اخذ میثاق

چنانچه قبلاً اشاره نمودیم در آیه میثاق شاهد و مشهود هر دو عبارت از انسان است و البته این مسأله به این مورد اختصاص ندارد بلکه در آیات دیگر نیز نظیر آن آمده است. برای نمونه خداوند متعال در سوره «نساء» می فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ...** ای اهل ایمان! به پا دارندگان عدالت باشید و برای خدا شهادت دهید هر چند بر ضرر خود و یا پدر و مادر و خویشان شما باشد.

چنانچه بوضوح معلوم است در این آیه در شهادت علیه خویش، شاهد و مشهود واحد است.

انگیزه اخذ میثاق هم در خود آیات یاد شده چنین بیان شده است: **«أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَيْنِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ»**.

عامل انحراف انسان ممکن است عامل تربیتی باشد و یا عامل اجتماعی و یا هر دو، و از اینرو در آیات میثاق به این دو عامل بعنوان دلیل اخذ میثاق اشاره شده و فرموده است علت گرفتن تعهد یکتاپرستی برای این بوده که انسان مشرک در قیامت نتواند چنین احتجاج نماید که پدران او با تربیت شرک آلود خویش او را مشرک ساخته اند و یا چو حاکم اجتماع آنها را به شرک کشانیده است.

پیروی بی تحقیق

در چند آیه قبل از آیات میثاق می فرماید: **«قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كَلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ**

اخذتها حتى إذا اذارکوا فیها جمیعاً قالت آخریهم لأولیهم رتنا هؤلاء اصلونا فانهم یضعفون لکن لا تعلمون»^۱

خداوند به آن کافران می فرماید: داخل شوید در صف گروههای مشابه خود از جن و انس در آتش، هر زمان گروهی وارد می گردند به گروه دیگر لعن می نمایند تا همگان ذلیلان در آن قرار گیرند گروه پیروان در باره پیشوایان خود می گویند: خداوند اینان بودند که ما را گمراه ساختند پس مجازات آنها را از آتش دوچندان ساز (کیفری برای گمراهی و کیفری برای گمراه سازی) می گوید برای هر کدام (از شما) عذاب مضاعف است ولی نمی دانید.

چرا که تابعین اگر حاکمیت فکری و عقیدتی آنها را نمی پذیرفتند آنها توانائی انحرافشان را نداشتند. بنابراین تابع شدن بی تحقیق بهمان اندازه گناه و نابخاست که به گمراهی کشیدن مردم، نابجا و گناه می باشد و لذا فرموده **«لَکَلِّیْ ضَعْفٌ»**. این متابعت همان پیروی کورکورانه و بدون تحقیق است که در سوره «حجج» به آن بدینگونه اشاره شده است؛ در آیه سوم این سوره می فرماید: **«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ یَجَادِلُ فِی اللَّهِ بَغِیْرِ عِلْمٍ وَیَتَّبِعُ کُلَّ شَیْطَانٍ مُرِیدٍ»** از مردم کسانی هستند که بدون برخورداری از دانش در باره خداوند به مجادله برخیزند و از هر شیطان گمراه کننده ای متابعت می نمایند.

و در آیه (۸) همین سوره راجع به رهبری بی دانش و بینش می فرماید: **«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ یَجَادِلُ فِی اللَّهِ بَغِیْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًی وَلَا کِتَابٍ مُنِیرٍ. ثَانِیَ عَظْمَةٍ لَیْضَلُّ عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ لَهُ فِی الدُّنْیَا حِزْبٌ وَنَذِیقُهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ عَذَابَ الْحَرِیقِ»** بعضی از مردم بدون دارا بودن علم و هدایت و کتاب روشنگر آسمانی در باره «الله» مجادله می نمایند و با تکبر از حق اعتراض نموده تا خلق را از راه خدا گمراه و منحرف سازند، چنین کسی را در دنیا ذلت و خواری باشد و در آخرت به او آتش سوزان خواهیم چشاند.

انسان عاقل انسانی است که در هر رتبه ای که باشد گفتار و کردارش بر پایه تحقیق است، اگر مقلد است تقلیدش از روی



تحقیق و آگاهی است و چنانچه عده‌ای از او پیروی می نمایند در اینصورت مسئولیت عمل صحیح پیروان خود را هم به عهده دارد و بنابراین باید نهایت تلاش و سعی خویش را برای یافتن راه درست و ارائه آن به پیروان خویش مبذول دارد.

پس در اصل دین و اعتقاد به توحید جای عذر برای احدی باقی نمانده است نه برای تابع و نه برای متبوع و از اینرو در سوره «نساء» به کسانی که استضعاف خویش را در جامعه، دلیل و بهانه انحرافشان قرار می دهند و می گویند: «كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ»، فرشتگان در پاسخ آنان چنین اظهار می نمایند: «أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً» آیا زمین خدا وسیع نبود؟ یعنی شما که می توانستید با مهاجرت از چنان جامعه فاسدی خود را نجات داده و خدا را پرستش نمائید، چرا در آنجا ماندید و مشرک از دنیا رفتید؟

بدین ترتیب می بینیم که حجت بالغه الهی بر همهگان تمام است و هیچ چیز نمی تواند بهانه و عذر انحراف از عقیده صحیح قرار گیرد.

عالم ذر

بطور خلاصه بحث در مورد این آیه شریفه در چهار امر تبیین می گردد.

۱- ادله منکرین عالم ذر

۲- جواب کسانی که عالم ذر را قبول دارند.

۳- نظریه مرحوم استاد طباطبائی رضوان الله علیه.

۴- نظریه مورد قبول.

دلایل انکار عالم ذر

اما دلایل منکرین عالم ذر چنانچه قبلاً هم اشاره نمودیم عبارت از شش دلیل می باشد، مرحوم شیخ طوسی در تفسیر «تبیان» با قاطعیت تمام عالم ذر را نفی می نماید و از اینرو شیخ طبرسی در «مجمع البیان» با اشاره به سخن ایشان می گوید: بعضی از محققین نظریه عالم ذر را رد نموده اند.

دلیل اول منکرین عبارت از این است که آن ذرات ریزی که از صلب حضرت آدم استخراج شد از دو صورت خارج نیست، یا اینکه آنها فاقد عقل و شعور بوده اند، بنابراین زمینه هرگونه اخذ تعهد و میثاق در باره شان از میان می رود، چرا که تکلیف در

صورت درک و شعور است، و یا اینکه دارای عقل و ادراک کامل بوده اند، در این صورت باید آن صحنه میثاق و تعهد در دنیا به یادشان مانده باشد وگرنه دلیلی برای اخذ میثاق باقی نخواهد ماند. برای اینکه در آیه علت گرفتن میثاق، چنین بیان گردیده است: تا در قیامت مشرکین نگویند ما از توحید غفلت داشتیم. ولی در صورتی که آن تعهد از یادشان برود، جای احتجاج در قیامت برایشان باقی خواهد ماند و این منافات با علت مزبور دارد.

۲- میثاقی را که خود شاهد گرفتن آن بودیم و با «بلی» چنان تعهدی سپردیم چگونه چیزی از آن به یاد، نمانده است؟ با اینکه تمام صحنه هائی را که در دنیا دیده ایم و اعمالی را که انجام داده ایم در قیامت به خاطر می آوریم.

قرآن کریم از زبان اهل دوزخ نقل می نماید: وَقَالُوا مَا لَنَا لَنْزِيلِ رَبِّنَا كُنَّا نَسْتَدْعِيهِمْ مِنْ الْأَشْرَارِ! پرما فردای را که در دنیا جزء گروه اشرار می دانستیم، در جهنم نمی یابیم. بدین ترتیب می بینیم که در جهنم سوزان الهی، افراد تبه کار خاطرات دنیا را فراموش نمی نمایند، چگونه در دنیا خاطره مهم اخذ میثاق را فراموش نمایند، بنابراین می توان نتیجه گرفت که عالمی بنام عالم ذر وجود نداشته است.

و اگر از این اشکال پاسخ دهند که چه اشکال دارد چنان عالمی وجود داشته و همه، پیش از آمدن به دنیا عالم دیگری را پشت سر گذاشته باشیم ولی چیزی از آن عالم به یادمان نمانده باشد. می گوئیم: در این صورت این سخن همان معتقدین به تقاطع خواهد بود. آنها هم می گویند ما پیش از آمدن به دنیا نیز زندگی می نموده ایم، آنهایی که در آنجا اعمال شایسته داشته اند اکنون با رفاه و راحتی بسر برده و پاداش کارهای خوب خویش را می بینند و آنانکه تبه کار و فاسد بودند، در دنیا به حالت فقر و فلاکت افتاده و به کیفر اعمال زشتشان می رسند، با اینکه هیچ خاطره از خاطرات زندگی پیشین در خاطرشان نیست!

۳- آنچه در باره عالم ذر معروف است که تمام ذریه از صلب آدم ابوالبشر استخراج شدند و از یکایک آنها اخذ میثاق به عمل آمد به سه دلیل با ظاهر آیه شریفه قابل انطباق نمی باشد.

الف- در آیه «من بنی آدم» آمده است یعنی اخذ میثاق از

برنامه ریزی نماید، از تداخل وظایف نیز جلوگیری بعمل آمده و تشکیلات غیر ضرور نیز حذف خواهد گردید.

وجود تشکیلات غیر ضروری

مسئله دیگر در این نظام اجرایی وجود تشکیلات و مؤسساتی است که اساساً وجود آنها غیر ضروری بوده و یا دستگاههای دیگری وجود دارند که می‌توانند امور آنها را انجام دهند و در حقیقت زاید بوده و نه تنها سودی ندارند بلکه بخشی از هزینه‌های کشور را به خود اختصاص می‌دهند، برای نمونه می‌توان به (سازمان پشاهنگی) که اخیراً توسط مجلس شورای اسلامی منحل گردید، اشاره نمود.

یکی از نتایج وجود تشکیلات مشابه کار و نیز زاید و غیر ضروری در نظام اجرایی موجود، گسترش وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی است که می‌بینیم هر چند گاهی زمزمه تشکیل یک وزارتخانه جدید بوجود می‌آید و این تصور شاید ایجاد گردد که با تشکیل وزارتخانه جدید مشکلی از مشکلات مربوط حل گردد! در صورتیکه این طور نیست و گسترش وزارتخانه‌ها خود باعث مشکلات بیشتر و افزایش هزینه‌ها می‌شود و

در نظام اجرایی مطلوب و با توجه به وظایف دولت و مشخص شدن میزان و حدود بخش خصوصی چه بسا، تعدادی از وزارتخانه‌های موجود منحل و یا در همدیگر ادغام گردند و لذا باید از ایجاد هرگونه وزارتخانه در قالب نظام اجرایی موجود پرهیز گردیده و پس از طراحی نظام اجرایی مطلوب، تعداد وزارتخانه‌ها و سازمانها را مشخص و نسبت به تأسیس آن اقدام نمود تا دوباره کاری پیش نیاید و وقت دولت و مجلس بی‌جهت صرف آن نگردد.

ناهماهنگی درون سازمانی دستگاه‌های اجرایی

مسئله دیگر در تشکیلات موجود نا هماهنگی درون سازمانی دستگاهها است و آن اینکه در داخل یک وزارتخانه تشکیلات مشابه کار و یا گاهی متناقض وجود دارد مثلاً در وزارتخانه ای می‌بینیم بخشهای مختلف سعمی و بصری وجود دارد، یا واحدهای مختلف برنامه ریزی وجود دارد. یا در وزارتخانه‌هایی مثل کشاورزی- بازرگانی، سازمانها و شرکتهای مختلف که هر کدام برای انجام امور مشابه مثلاً کارگرینی نیاز به تشکیلات ویژه دارند

وجود دارد. فرضاً سازمان غله- شرکت فرش- سازمان قند و شکر- دخانیات- سازمان چای زیر نظر وزارت بازرگانی و هر کدام تشکیلات منحصر بخود دارند و در استانها و شهرستانها نیز علاوه بر اداره کل بازرگانی و یا اداره بازرگانی ادارات کل و ادارات ویژه خود داشته و در ارتباط مستقیم نیز با سازمانهای مرکزی می‌باشند. در حالیکه می‌توان با سازماندهی جدید نظام اجرایی همه اینها را که وابسته به یک وزارتخانه هستند طوری سازمان داد که هم تسهیلات ناشی از سازمانی بودن را داشته باشند و هم از جهت مدیریت در آنها وحدت مدیریت ایجاد کرد و هم از جهت صرفه جویی‌های فراوان تشکیلاتی و نیروی انسانی و هزینه‌های اداری و غیره به نتایج بسیار مفیدی رسید. و متأسفانه غالب وزارتخانه‌ها مانند وزارت کشاورزی- وزارت بازرگانی- وزارت راه- وزارت نیرو- وزارت آموزش و پرورش- وزارت کشور- وزارت درمان و بهداشت و غیره از چنین وضع تشکیلاتی پراکنده و سرمایه خور و نیرو بر، برخوردار می‌باشند.

ادامه دارد

بقیه از بررسی آیه میثاق

تمام فرزندان آدم ابوالبشر نشده بلکه از ذریه فرزندان آدم تعهد گرفته شده است. بنابراین تمام انسانها چنان تعهدی در آن عالم نسپرده‌اند.

ب- در آیه «من ظهورهم ذریتهم» آمده، و مرجع ضمیر «هم» در «ظهورهم» و «ذریتهم» بنی آدم است، اگر از ذریه آدم ابوالبشر اخذ میثاق شده بود من ظهوره و ذریته بود.

ج- در علت دومی که برای اخذ میثاق در خود آیه شریفه بیان گردیده چنین آمده است: «أو تقولوا يوم القيامة ألما اشرک أبائنا من

قبل...» اگر ذریه از صلب خود آدم استخراج شده‌اند، پدری جز آدم در آن عالم نداشته‌اند و او هم موحد بوده است، پس چگونه در آیه آمده است که فلسفه اخذ میثاق این بوده که در قیامت نگویند پدران مشرک ما، ما را منحرف ساختند؟

تا اینجا سه دلیل از دلائل منکرین عالم ذریه بیان شد، و در بحث آینده سایر ادله منکرین عالم ذریه را با خواست خداوند مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

ادامه دارد

- ۱- سوره نساء- آیه ۱۳۵، ۳- سوره نساء- آیه ۹۷،
۲- سوره اعراف- آیه ۳۸، ۴- سوره ص- آیه ۶۲.